

معرفه‌شناسی (epistemology) : شاخه‌ای از فلسفه است و به بحث شناخت می‌پردازد.

- آیا شناخت انسان پذیراست؟ راه‌های شناخت کدام است؟ و با منطق هم مرتبط است.

اگر ذهن انسان = کارخانه باشد

- ۱. مواد خام و اولیه
- ۲. تجزیه و ترتیب‌دهی که بر ماده خام صورت می‌گیرد
- ۳. محصول نهایی

تصور و تصورات (علم جدید): آنچه در بیرون هست و انسان آنرا در ذهن خود تصویر می‌کند صورتی از

اشیاء است

تصور: علم مابصورت ساده‌ی اشیاء است که آنرا در ذهن چیزی دریافت شود. بی‌انگه

حلی بر آن وارد شود.

تصدیق: نسبت دادن تصویری به تصور یا تصورات دیگر و حلی بر آن وارد می‌شود و

معمولاً بصورت جمله خبری است. تصدیق شامل تصورات است. آیا در تصور تصدیقی

وجود ندارد.

ملاک تمایز چیست؟ انگه چیزی نسبت داده شود یا نشود.

فهم ماهوی دارای مابعضی عینی اند به چه معناست؟ یعنی در بیرون وجود خارجی دارند

* کلی یا جزئی در باره‌ی مفاهیم منطقی است.

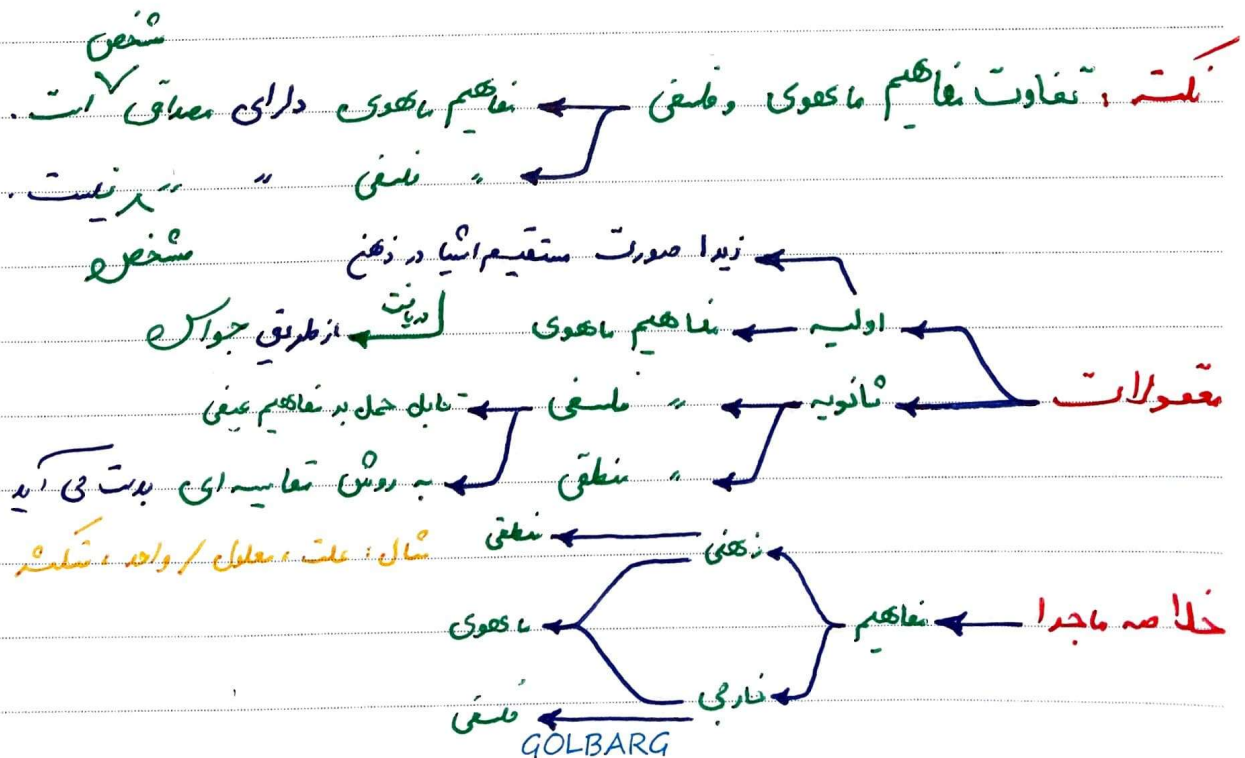
فهم منطقی شامل ← ۱. کلی ۲. جزئی ۳. عرض عام ۴. عرض خاص

۵. فعل ۶. جنس ۷. نوع اینها همه در باب منطقی کاربرد دارد.

فاهیم فلسفی: در باره‌ی واقعیت بیرونی سخن می‌گویند و هم مفاهیم منطقی و هم فلسفی

در باره **مفاهیم** سخن می‌گویند.

سوال: (انسان حادث (عامل) ، (انسان مطول) ، (انسان جسم) ، (انسان نوع) است.
 (انسان فلسفی) (انسان ماهوی) (انسان منطقی)



پرسش: زمانی علم حضوری در قالب علم حصولی در کی‌تید چه نامیده می‌شود؟ وجدانیات (یا متن)

علم حضوری: ۱. توسل به حقیقت شیء (الر واقعیت شیء مدنظر باشد) ۲. جزئیاتی

که خودشان نزد نفس حاضر می‌شوند مثال: شخصی مبتلا به دندان درد می‌شود (علی که عین

واقعیت معلوم در نزد عالم حاضر باشد ۳. بی واسطه است ۴. نیاز به ذهن ندارد ۵. خطامعنا ندارد.

علم حصولی: ۱. توسل به صورت شیء (الر صورت شیء مدنظر باشد) ۲. کلیات (مفاهیم)

و جزئیات اگر صورشان حاصل شود مثال: بالی موجب می‌شود که طرف تعادل دندان درد دارد.

علی که واقعیت معلوم در نزد عالم حاضر نباشد و قعط تصویری از آن حاضر است ۳. با واسطه است

(در صورت ها، مفاهیم و تصویدها) ۴. نیاز به ذهن دارد (زیرا این ادراک کنده و ادراک شوند

جوابی تکرار است ۵. خطامعنا دارد.

پرسش: من هستم و تو هستی حصولی است یا حضوری؟

حصولی ← حضوری →

پرسش: من این ناغذ را سفید می‌بینم و این ناغذ سفید است کدام حضوریست و کدام حصولی؟

حصولی ← حضوری →

معرفت به خود معرفت توانی خود معرفت به حالات نفسانی خود

GOLBARG

حصولی

معرفت به افعال قلبی خود

مسئله : معادق دارای تفاوتند و رتبه یکسانی ندارند

سوال : آیا نور دانش در مهبای، لایب و خورشید به یک اندازه است؟ نه دارای رتبه‌ات و تفاوت

کلمه : علم انسان به خود ← مسئله که توجه نفس است ← توجه ↑ درایت ↑
 نیابراین ← آگاهی در همه به یک اندازه نیست. و این به معنی : غفلت در توجه نفس
 توجه ↓ درایت ↓

- این قضیه که فردی که روی رو طه می‌لرزد دوت دارد ولی ایستاده نبوده ← تبدیل قدرت به علاقه و بدعلی

خطا در مطلق انسانیت محبت یا نفرت است نه خطا در علم حضوری که و ایند احسانا تناقضات
 در فرد میتواند جمع باشد.

- اختلافاً فیلسوفان : اما گفت و شنود حقیقی اصل و اصل یکسانی است و مملکت است
 بیرون ده آن تفاوت باشد و این نشانگر خطا در علم حضوری نیست.

مهمترین ایرادی که بر علم حضوری می‌کنند : علم حضوری امری شخصی است هست و چون نمیتوان
 به گنجی ارائه کرد پس جنبه معرفت‌شناسی ندارد و نمیتوان قاعده کلی ارائه کرد و ...
 قابل ارائه به گنجی نیست و همد علی در محدوده خودش درست است پس نمیتوان اظهار صحت
 داشته : علم تجربی